نشریه تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی، سال بیست و سوم، شماره ۷۱، زمستان ۱۴۰۲

بررسی نقش معناپذیری و حس تعلق مکانی در ارتقای سرمایه اجتماعی روستاییان (مورد: روستاهای کُردنشین، شهرستان رودبار)

دریافت مقاله: ۹۸/۱/۲۷ **پذیرش نهایی**: ۹۹/۳/۱۹

صفحات: ۱۰۲-۸۱

مجید یاسوری: استاد گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی دانشگاه گیلان، رشت، ایران
Email: yasoori@um.ac.ir
سمیرا محمودی: استادیار گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی دانشگاه گیلان، رشت، ایران
Email: samir.mahmoodi65@gmail.com
علیرضا دربان آستانه: استادیار گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی دانشگاه تهران[1]
Email: astaneali@ut.ac.ir
سیده فاطمه امامی: دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی دانشگاه تهران.
Email: f_emami22@yahoo.com

چکیده

معناپذیری مکان‌ها و سازمان‌دهی آن‌ها در ساختارهای ذهنی و شکل‌گیری احساس تعلق به مکان برای سکونتگاه‌ها سودمند خواهد بود، زیرا می‌تواند همبستگی و مشارکت در آینده، فعالیت‌های مدنی در قالب رفتارهای پایدار، نگرانی‌های زیست‌محیطی و رفتارهای اکولوژیکی نظیر حفاظت از منابع محیطی و مراقبت از مکان‌های عمومی را پیش‌بینی نماید؛ همچنین ارتباط همبسته، قوی و دقیق با احساس و ادراک امنیت، به‌عنوان مهم‌ترین شاخصه‌های سرمایه اجتماعی دارد. سرمایه اجتماعی نقش مهمی در بالا بردن زیست پذیری دارد که بدون شک هدف مهم تمام برنامه‌ریزی‌ها و توسعه، ازجمله برنامه‌ریزی و توسعه روستایی است. این تحقیق از نظر هدف کاربردی و از نظر رویکرد توصیفی و تحلیلی است که با نمونه‌ای با حجم ۳۵۵ نفر از میان افراد روستاهای کردنشین در شهرستان رودبار انجام شده است. جامعه آماری تحقیق، روستاهای کردنشین استان گیلان واقع در شهرستان رودبار با تعداد ۱۲ روستا و مجموع ۲۹۵۵ نفر جمعیت (بر اساس سرشماری سال ۱۳۹۵) می‌باشد. تعداد نمونه‌ها با استفاده از جدول مورگان، ۳۴۰ نفر تعیین شد سپس از این تعداد افراد پرسش‌نامه تکمیل گردید. پژوهش به‌منظور تبیین سیستماتیک عوامل تأثیرگذار بر تعلق مکانی و نیل به یک مدل جامع از تکنیک چند متغیری تحلیل مسیر استفاده شد و تأثیرات مستقیم و غیرمستقیم متغیرهای موردبحث، در یک مدل موردبررسی قرار گرفت. نتایج تحقیق حاکی از آن است که متغیرهای کالبدی تعلق مکانی، بعد اعتماد سرمایه اجتماعی، بعد محیطی تعلق مکانی، بعد عملکردی تعلق مکانی، بعد همبستگی اجتماعی و بعد مشارکت سرمایه اجتماعی به ترتیب مهم‌ترین عواملی هستند که به‌صورت مستقیم بر نمایه تعلق مکانی روستاییان مؤثر هستند.

کلید واژگان: معناپذیری مکانی، حس تعلق به مکان، سرمایه اجتماعی روستایی، رودبار

۱-نویسنده مسئول: گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی دانشگاه تهران astaneali@ut.ac.ir

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-28]
[DOR: 20.1001.1.22287736.1300.0.0.49.2]
[DOI: 10.61186/jgs.23.71.81]

مقدمه

امروزه این امر مسلم است که رسیدن به توسعه، جامعه مدنی، معیارهای جهان‌شمول و بستر مناسب برای زیست اجتماعی با وجود سرمایه اجتماعی شکل می‌گیرد. از همین‌رو در سال‌های اخیر، سرمایه اجتماعی به مفهومی بسیار مرسوم بدل شده و به‌صورت شعار روز سیاستمداران و نخبگان دانشگاهی درآمده است (ایمانی و همکاران، ۱۳۹۴، ۸۷۶). لذا، بسیاری از جغرافیدانان که در گذشته، هدف و موضوع اصلی جغرافیا را مطالعه مکان و فضا می‌دانستند نیز، امروزه به اهمیت فضا و مکان در فرایندهای اجتماعی توجه و آن را تجزیه‌وتحلیل می‌کنند، این چرخش را می‌توان در آثار علمی گیدنز، فوکو، بوردیو، لوفور، هاروی، گریگوری، سوجا و دیگران مشاهده کرد (رضوانی و احدی، ۱۳۸۸، ۴۶). در این چارچوب، مکان بخشی از فضای طبیعی یا فضای ساخته شده است که به لحاظ مفهومی یا مادی دارای محدوده‌ای مشخص باشد و [معمولاً] نتیجه‌ی رابطه متقابل و عکس‌العمل بین سه عامل رفتار انسانی، مفاهیم و مشخصات فیزیکی مربوط به آن است (پرتوی، ۱۳۹۴، ۷۲) و شناخت بهتر مکان زمانی ارزش بیشتری می‌یابد که علاوه بر بررسی عناصر و ویژگی‌های کالبدی محیط، معانی و مفاهیم برجسته از آن و ادراک کنشگران نیز مورد واکاوی قرار گیرد (رضویان و همکاران، ۱۳۹۳، ۸۸). نگرش به یک مکان بازتاب خصیصه‌های مکان نظیر آب‌وهوا، اقلیم، شرایط جغرافیایی، ساختار اجتماعی و نظام معیشتی آن بوده که بر کیفیت زندگی مردم روستایی تأثیرگذار است (چیگبو[1]، ۲۰۱۳: ۲۶۶-۲۶۷). در واقع، به دنبال ادراک و قضاوت نسبت به محیط خاص، احساسی در فرد به وجود می‌آید که حس مکان نامیده شده و عامل مهمی در هماهنگی فرد و محیط است و باعث بهره‌برداری بهتر از محیط، رضایت استفاده‌کنندگان و در نهایت احساس تعلق آن‌ها با محیط و تداوم حضور در آن می‌شود (شریف‌زاده و همکاران، ۱۳۹۵، ۱۱۴). تعلق به مکان، به‌عنوان پیوند بین افراد و مکان‌های معنادار آن‌ها، در سال‌های اخیر توجه علوم مختلف از جمله جغرافیا و برنامه‌ریزی را به خود جلب نموده است (براون و پارکینز[2]، ۱۹۹۲؛ گیولیانی[3]، ۲۰۰۳). بخشی از علاقه‌مندی مطالعات مذکور به پیوند افراد و مکان سکونت خود، ناشی از افزایش تحرک و پویایی اجتماعی، درگیر شدن با تهدیدات و مسائل زیست‌محیطی موجود و همچنین افزایش دامنه‌ی تعاملات و پیوندهای اجتماعی افراد، به‌عنوان پایه‌های رفتاری سرمایه اجتماعی، به دنبال معناپذیری و شکل‌گیری تعلق به مکان می‌باشد (رلف[4]، ۱۹۷۶؛ سنت[5]، ۲۰۰۰؛ ساندرس و همکاران[6]، ۲۰۰۳؛ اسکانل و گیفورد[7]، ۲۰۱۰). سرمایه اجتماعی، در واقع همان هنجارها و اعتمادی است که مشارکت‌کنندگان را قادر می‌سازد تا به‌طور مؤثرتری با یکدیگر کنش داشته باشند و اهداف مشترک خود را پیگیری کنند. از همین‌رو چنان‌که استدلال شده است، معناپذیری مکان‌ها و سازمان‌دهی آن‌ها در ساختارهای ذهنی و شکل‌گیری احساس تعلق به مکان برای اکثر سکونتگاه‌ها سودمند خواهد بود، زیرا می‌تواند همبستگی و مشارکت در آینده (برانفربرنر[8]، ۱۹۸۶؛ جسور[1]،

1- Chigbu
2- Brown & Prkins
3- Giuliani
4- Relph
5- Sennett
6- Sanders et al
7- Scannell & Gifford
8- Bronfenbrenner

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-28]
[DOR: 20.1001.1.22287736.1300.0.0.49.2]
[DOI: 10.61186/jgs.23.71.81]

۱۹۹۳؛ مانزو و پرکینز[2]، ۲۰۰۶)، فعالیت‌های مدنی در قالب رفتارهای پایدار (پل[3]، ۲۰۰۲؛ اوزل و همکاران[4]، ۲۰۰۲)، نگرانی‌های زیست‌محیطی و رفتارهای اکولوژیکی نظیر حفاظت از منابع محیطی و مراقبت از مکان‌های عمومی (ورکین و ریس[5]، ۲۰۰۱) را پیش‌بینی نماید؛ همچنین ارتباط همبسته، قوی و دقیق با احساس و ادراک امنیت از طریق کاهش در میزان جرایم و نیز ادراکات ذهنی ساکنان، همچون ترس اندک از وقوع جرایم و امثال آن دارد (اسکوگان[6]، ۱۹۹۰؛ لاگرانگ و همکاران[7]، ۱۹۹۲؛ راودان بوش[8]، ۲۰۰۳؛ دالاگو و همکاران[9]، ۲۰۰۹). طی چندین دهه گذشته، الگوی مدیریتی حاکم بر کشورهای درحال‌توسعه به‌ویژه کشور ما، تمرکزگرا بوده است؛ ولی امروزه تغییر نگرش برنامه‌ریزان منجر به تحول عظیمی در روند مدیریت روستایی و استفاده از نیروهای مردمی در فرایند تصمیم‌سازی و برنامه‌ریزی روستایی شده است (افتخاری و همکاران، ۱۳۸۶). در این راستا، اندیشمندان معتقدند که در صورت فقدان سرمایه اجتماعی در جوامع، مشارکت مردمی و از پایین به بالا، هیچ شانسی برای موفقیت وجود ندارد (عبداللهیان و همکاران، ۱۳۸۵). لذا با عنایت به این‌که امروزه نواحی روستایی ایران اغلب با مشکلات عدیده‌ای مواجه‌اند که زمینه‌ساز توسعه‌نیافتگی و ناپایداری آنان گردیده، لذا می‌توان با تمرکز ویژه به مناطق روستایی به‌عنوان مکان‌های زیست و معناپذیری آن‌ها جهت شکل‌گیری حس تعلق به آن، زمینه‌ی مشارکت، انسجام اجتماعی، تعاملات در قالب شبکه‌های درون‌گروهی و برون‌گروهی و به‌طورکلی سرمایه اجتماعی روستاییان را فراهم نمود تا از این رهگذر منجر به توسعه‌یافتگی گردد. در واقع، شناسایی عوامل مؤثر بر تعلق مردم محلی به مکان زندگی خویش و تلاش برای ارتقای آن می‌تواند راه رسیدن به توسعه روستایی را تسریع نماید. پژوهش حاضر در همین راستا، به بررسی چگونگی اثرگذاری معناپذیری و احساس تعلق به مکان در ارتقای سرمایه اجتماعی کُردهای ساکن در مناطق روستایی شهرستان رودبار می‌پردازد.

مبانی نظری

مکان یکی از مفاهیمی است که در علوم و رشته‌های گوناگون و با قرائت‌های مختلف به کار برده می‌شود. مکان بخشی از فضاست که به‌وسیله شخص یا چیزی اشغال‌شده و دارای بار معنایی و ارزشی است (رضویان و همکاران، ۱۳۹۳، ۹۲). با آغاز مباحثی چون نشانه‌شناسی و معناشناسی در ادبیات و زبان‌شناسی و ورود آن به سایر علوم، حوزه‌های معماری، شهرسازی و جغرافیا نیز از این مفهوم دور نماندند. بر این اساس افرادی چون رابرت ونتوری، اسکات براون و کوین لینچ (لینچ، ۱۳۹۵؛ رلف، ۲۰۱۱) بر این باورند که هر پدیده افزون بر دو مؤلفه فرم و عملکرد، دارای مؤلفه سومی به نام معنا نیز هست که خردگرایان آن را به فراموشی سپرده یا انکار

1- Jessor
2- Manzo & Perkins
3- Pol
4- Uzzell et al
5- Vorkinn & Riese
6- Skogan
7- LaGrange et al
8- Raudenbush
9- Dallago et al

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-28]
[DOR: 20.1001.1.22287736.1300.0.0.49.2]
[DOI: 10.61186/jgs.23.71.81]

کرده‌اند (راپوپورت، ۱۳۹۲؛ به نقل از ذکاوت و دهقان، ۱۳۹۵، ۲۱۶). در همین ارتباط، جامعه‌شناسان بر روی معانی نمادین مکان تمرکز کرده و در تلاش‌اند تا تأثیر آن را بر تعاملات انسانی دریابند (کوبا و هومان[1]، ۱۹۹۳؛ گریدر و گراکویچ[2]، ۱۹۹۴؛ دالاگو و همکاران[3]، ۲۰۰۹). رلف[4] در کتاب مکان و بی‌مکانی[5] می‌نویسد: مکان‌ها ترکیبی از نظم طبیعی و نظم انسانی هستند و از مراکز با اهمیت تجارب بلافصل ما از جهان محسوب می‌شوند. او در پاسخ به این سؤال که «چرا و چگونه مکان‌ها برای مردم واجد معنی می‌گردند؟» درباره‌ی ارتباط بین فضا و مکان و این‌که اشخاص چه نوع فضاهایی را تجربه می‌کنند و این تجارب فضایی چه ارتباطی با حس مکان آن‌ها دارند، سخن می‌گوید. از نظر وی، خاصیت اصلی مکان در توان آن برای نظم‌دهی و تمرکز بر اهداف و مقاصد، تجربه و رفتار بشری به‌طور فضایی[6] نهفته است (سیمان[7]، ۱۹۹۶: ۵). حس مکان، وابستگی‌های مردم و پیوستگی آن‌ها با مکان‌های خود و یا آنچه برخی آن را ساختار احساس نامیده‌اند، دربر می‌گیرد. بین حس مکان و هویت فرهنگی، ارتباط معناداری وجود دارد. حس مکان را می‌توان حس تعلق داشتن به محیط و حس تداوم دانست. به‌بیان‌دیگر، حس مکان وضعیتی «خودآگاهانه» از خلق معنا از طریق به وجود آوردن بستگی-هایی با مکان فیزیکی است (پرتوی، ۱۳۹۴، ۱۲۴-۱۲۲). آنچه مسلم است، معانی وجودی چیزهایی نیستند که بتوان به‌طور اختیاری آن‌ها را به زندگی روزمره‌ی انسان افزود، بلکه این معانی به‌طور ذاتی در زندگی روزمره وجود دارد و شامل روابط میان ویژگی‌ها و دارایی‌های طبیعی و انسانی، فرایندها و اقدامات است؛ این معانی اجزایی را که دارای درجاتی از غیرقابل تغییر در زندگی است، شامل می‌شود. هر معنی، بخشی شکل‌دهنده از یک نظم جامع فضایی زمانی، تلقی می‌شود. بدین معنا که هر نوع معنی‌ای لزوماً در مکانی خاص، آشکار می-شود و کاراکتر مکان با این آشکارسازی، تعیین می‌گردد. به‌عبارت‌دیگر، معانی تجربه‌شده از یک فضای وجودی ناشی می‌شود که چارچوبی برای اعمال بشر فراهم می‌سازد (نوربرگ اسکولز[8]، ۱۹۷۵؛ به نقل از پرتوی، ۱۳۹۴، ۱۲۷). با این وصف، معانی مکان‌ها چه‌بسا در زمینه کالبدی و اشیاء و فعالیت‌ها ریشه داشته باشند، اما از خواص آن‌ها نیستند، بلکه آن‌ها از خواص مقاصد و تجارب انسانی هستند (رلف، ۱۳۹۰، ۵۵). از این‌رو، در پدیدارشناسی مکان، می‌توان به‌جای تمایز بین فضا و کاراکتر، از مفهوم جامع‌تری چون «فضای زیسته[9]» استفاده کرد. فضای زیسته به معنی فضا، آن‌گونه که تجربه شده است، می‌باشد و ارتباط نزدیکی با زیست جهان دارد (سیمان، ۱۹۸۲؛ به نقل از پرتوی، ۱۳۹۴، ۷۸). در این چارچوب گفتنی است، پدیدارشناسی فضای زیسته بر این فرض مبتنی است که فضاها حجم‌های خالی نیستند که گاهی کیفیت‌ها و معانی به آن اضافه شود، بلکه فضاهای زیسته، زمینه‌ها و محتواهای معنادار و ضروری برای همه اقدامات و اعمال بشری هستند

1- Cuba & Hummon
2- Greider & Garkovich
3- Dallago et al
4- Relph
5- Place and Placelessness
6- Spatially
7- Seamon
8- Norberg-Schulz
9- Lived Space

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-28]
[DOR: 20.1001.1.22287736.1300.0.0.49.2]
[DOI: 10.61186/jgs.23.71.81]

(استفانویچ[1]، ۱۹۹۸: ۱۲۷). مهم‌ترین عوامل معرف فضا از دیدگاه پدیدارشناسی، دیالکتیک عرصه‌ی درونی[2] و عرصه‌ی بیرونی[3]، مرز و حصار[4] و مرکزیت[5] است. سنت‌های فرهنگی و اعتقادات و جهان‌بینی انسان‌ها، موجب نگاه‌های متفاوتی به مقوله‌ی درون و بیرون می‌گردد (پرتوی، ۱۳۹۴، ۹۲-۹۱). به‌بیان‌دیگر، ارتباط بین عرصه‌ی درونی و نقطه مقابل تجربی آن، عرصه‌ی بیرونی، یک دیالکتیک زیربنایی برای تجربه و رفتار محیطی انسان است. بدین‌ترتیب، مکان‌های گوناگون با توجه به درجات گوناگونی از در درون بودن و در بیرون بودن، هویت-های متفاوتی را نزد مردم پیدا می‌کنند و تجارب انسانی به کیفیت‌های گوناگونی از معنا و احساس دست می-یابند؛ برای مثال، در «بیرون بودن وجودی[6]» یک حس قوی بیگانگی را القا می‌کند، مثل حس غریبگی و جدایی که تازه‌واردان به مکان جدید اغلب آن را حس می‌کنند (همان، ۹۶). در این وضعیت، افراد توجه عمیقی به خود مکان ندارند و شکلی از مکان را تجربه می‌کنند که باعث ندیدن واقعی مکان و عدم مشارکت در فعالیت‌های آن می‌شود (ملکی و همکاران، ۱۳۹۳، ۱۰۱). برخلاف این حالت، در «درون بودن وجودی[7]» موقعیتی از مستغرق شدن ناخودآگاهانه‌ی فرد را در مکان تشریح می‌کند؛ تجربه‌ای از مکان که بیشتر مردم زمانی که در ناحیه و محله خود هستند، آن را احساس می‌کنند (پرتوی، ۱۳۹۴، ۹۷). در مجموع حس مکان به معنای ادراک ذهنی مردم از محیط و احساسات کم‌وبیش آگاهانه آن‌ها از محیط خود است که شخص را در ارتباطی درونی با محیط قرار می‌دهد، به‌طوری‌که فهم و احساس فرد با زمینه معنایی محیط پیوند خورده و یکپارچه می‌شود. این حس عاملی است که موجب تبدیل یک فضا به مکانی با خصوصیات حسی و رفتاری ویژه برای افراد خاص می‌گردد. حس مکان علاوه بر این‌که موجب احساس راحتی از یک محیط می‌شود، از مفاهیم فرهنگی موردنظر مردم، روابط اجتماعی و فرهنگی جامعه در یک مکان مشخص حمایت کرده و باعث دست-یابی به هویت و تعلق مکانی در افراد می‌شود (فلاحت، ۱۳۸۵، ۵۷). شامای، در بررسی‌های خود در مورد سطوح مختلف احساس به مکان سه مرحله اصلی حس مکان، دلبستگی به مکان و تعهد به مکان را معرفی و این حس را در هفت سطح طبقه‌بندی می‌کند که یکی از این سطوح، تعلق به مکان است:

۱. **بی‌تفاوتی نسبت به مکان:** این سطح معمولاً در ادبیات حس مکان موردتوجه نیست اما در سنجش حس مکان مورداستفاده قرار می‌گیرد.

۲. **آگاهی از قرارگیری در یک مکان:** این سطح هنگامی است که فرد می‌داند در یک مکان متمایز زندگی می‌کند و نمادهای آن مکان را تشخیص می‌دهد ولی هیچ احساسی که او را به مکان متصل کند، وجود ندارد.

۳. **تعلق به مکان:** در این سطح فرد نه‌تنها از نام و نمادهای مکان آگاه است، بلکه با مکان احساس بودن و تقدیر مشترک داشتن نیز دارد. در این حالت نمادهای مکان، محترم و آنچه برای مکان رخ می‌دهد، برای فرد مهم است.

1- Stefanovic
2- Insideness
3- Outsideness
4- Enclosure
5- Centralization
6- Existential Outsideness
7- Existential Insideness

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-28]
[DOR: 20.1001.1.22287736.1300.0.0.49.2]
[DOI: 10.61186/jgs.23.71.81]

۴. دلبستگی به مکان: در این سطح فرد ارتباط عاطفی پیچیده‌ای با مکان دارد. مکان برای او معنا دارد و مکان محور فردیت است و تجارب جمعی و هویت فرد در ترکیب با معانی و نمادها به مکان شخصیت می‌دهد. در این حالت بر منحصربه‌فرد بودن مکان و تفاوت آن با مکان‌های دیگر تأکید می‌شود.

۵. یکی شدن با اهداف مکان: این سطح نشان‌دهنده درآمیختگی و پیوستگی فرد با نیازهای مکان است. در این حالت در فرد شور، عشق، حمایت و ازخودگذشتگی نسبت به مکان وجود دارد.

۶. حضور در مکان: در این سطح، نقش فعال فرد در اجتماع که علت آن تعهد به مکان بوده را می‌توان مشاهده نمود.

۷. فداکاری برای مکان: این سطح بالاترین سطح حس مکان است و فرد عمیق‌ترین تعهد را نسبت به مکان دارد و فداکاری برای گرایش‌ها، ارزش‌ها، آزادی‌ها و رفاه در موقعیت‌های مختلف از خود نشان می‌دهد. در این سطح آمادگی برای رهایی از علایق فردی و جمعی به خاطر علایق بزرگ‌تر نسبت به مکان وجود دارد (شماعی، ۱۹۹۱).

بنابراین، مکان دارای سلسله مراتبی از بی‌تفاوتی نسبت به مکان تا فداکاری نسبت به مکان است. بر این اساس، مردم و مکان‌ها به چیزی شکل می‌بخشند که سیستم‌های ارتباط متقابل نامیده شده است؛ چنان‌که هر یک به دیگری چیزی می‌دهند و چیزی از آن دریافت می‌کنند (Steel, 1981, 8). رلف، تعلق به مکان‌ها و دلبستگی عمیق به آن‌ها یک نیاز مهم انسانی است. دراین‌ارتباط، چنان‌که سیمون ویل (Weil, 1955, 53) بیان می‌دارد، ریشه‌دار بودن شاید مهم‌ترین و کم‌تر شناخته‌شده‌ترین نیاز روح انسان است. ریشه داشتن در یک مکان به معنی داشتن نقطه‌ای امن است که از آن نقطه بتوان مراقب بود و به عالم بیرون نگریست و به معنی درک محکم و استواری از موقعیت آدمی در نظام چیزها و به‌خصوص یک تعلق قابل‌توجه روحی و روان‌شناختی به‌جایی داشتن است. چنین اماکنی به‌طورجدی پایه‌های وجودی انسان تلقی می‌شوند؛ نه‌تنها برای تمام فعالیت‌های انسان زمینه و بستر، بلکه امنیت و هویت را برای افراد و گروه‌ها فراهم می‌آورند جدول (۱).

جدول (۱). انواع نگرش‌های ارتباط انسان و مکان در روان‌شناسی محیطی

رویکرد	موضوع اصلی	نتیجه
شناختی	نقش شناخت انسان از محیط	محیط‌های با آگاهی و شناخت بیش‌تر ← معنای بیش‌تر محیط‌های با آگاهی و شناخت کم‌تر ← معنای کم‌تر
اجتماعی	حس تعلق برآیند عواملی از تعاملات اجتماعی است که در محیط صورت می‌گیرد.	محیط حاوی اطلاعات و نشانه‌های مشترک اجتماعی بوده که بشر با درک و رمزگشایی آن‌ها با محیط خود به تعامل می‌رسند.
احساسی	به بُعد عاطفی و احساسی ارتباط انسان و مکان اشاره دارد.	تعامل ناشی از نوعی ارتباط عمیق بین انسان و مکان است و شکل‌گیری معنا در ارتباط با عواطف انسانی است.
هستی‌شناسی	توجه به نیازهای انسانی	حس تعلق برگرفته از نوعی نیاز اجتماعی بودن انسان است که به دنبال یافتن جاپای محکم برای ارتباط صمیمانه با محیط است. انسان فضا را با نیازهای خود تعبیر کرده و بر اساس شایستگی و انگیزش‌های خود معنای تعلق را از محیط استنباط می‌کنند.

مأخذ: ملکی و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۰۲

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-28]
[DOR: 20.1001.1.22287736.1300.0.0.49.2]
[DOI: 10.61186/jgs.23.71.81]

بنا بر آنچه گفته شد، مفهوم حس تعلق مکانی در میزان و نوع روابط بین افراد جامعه تأثیر می‌گذارد و این رابطه در گروه‌های اجتماعی که به مکان خاصی اختصاص دارند، باعث افزایش سرمایه اجتماعی و اعتماد آنان می‌گردد (رهنما و رضوی، ۱۳۹۱، ۳۲). برابر مطالعه، سرمایه اجتماعی که نتیجه‌ی تعامل افراد در جامعه است (هوانگ و همکاران[۱]، ۲۰۰۹: ۴۵۴)، با مشارکت و همکاری در شبکه‌های اجتماعی همراه می‌باشد (ایمانی و همکاران، ۱۳۹۴، ۸۷۶). سرمایه اجتماعی، در واقع همان هنجارها و اعتمادی است که مشارکت‌کنندگان را قادر می‌سازد تا به‌طور مؤثرتری با یکدیگر کنش داشته باشند و اهداف مشترک خود را پیگیری کنند (پاتنام[۲]، ۲۰۰۰؛ به نقل از قربانی و همکاران، ۱۳۹۶، ۲۳۱). در این چارچوب، تعلق مکانی، افراد را برای دخالت بیشتر در فعالیت‌های مدنی از طریق سرمایه اجتماعی محلی (مانند پیوندها و روابط محله‌ای) تشویق کرده و انگیزه می‌دهد (لویکا[۳]، ۲۰۰۵: ۳۸۴).

در بسیاری از کشورهای غربی مردم برای جزئی‌ترین مسائل اشتراکی جامعه، گروه و انجمن تشکیل می‌دهند؛ اما در کشورهای جهان سوم کم بودن این ارتباطات و البته کارایی نامطلوب و بی کارکردی کانون‌ها و انجمن‌های صنفی یا گروهی قابل‌توجه و ملموس است. به‌طورکلی انسان‌هایی که عضوی از یک کانون کوچک اعم از روستا، انجمن، گروه و شبکه هستند، در ارتباط با دیگر اعضای گروه احساس همدلی، همکاری، مسئولیت و اعتماد می‌کنند و یکدیگر را به کارها و هنجارهای جمعی تشویق و اطلاعات لازم را جهت کسب منافع مشترک در اختیار یکدیگر قرار می‌دهند. از همین‌رو، چنان‌که استدلال شده است، معناپذیری مکان‌ها و سازماندهی آن‌ها در ساختارهای ذهنی و ایجاد احساس تعلق به مکان برای سکونتگاه‌ها سودمند خواهد بود، زیرا می‌تواند همبستگی و مشارکت در آینده (برانفنبرنر[۴]، ۱۹۸۶؛ جسور[۵]، ۱۹۹۳؛ مانزو و پارکینز[۶]، ۲۰۰۶)، فعالیت‌های مدنی در قالب رفتارهای پایدار (پل[۷]، ۲۰۰۲؛ اوزل و همکاران[۸]، ۲۰۰۲)، نگرانی‌های زیست‌محیطی و رفتارهای اکولوژیکی نظیر حفاظت از منابع محیطی و مراقبت از مکان‌های عمومی (ورکین و ریس[۹]، ۲۰۰۱) را پیش‌بینی نماید؛ همچنین ارتباط همبسته، قوی و دقیق با احساس و ادراک امنیت (از طریق کاهش در میزان جرایم و نیز ادراکات ذهنی ساکنان، همچون ترس اندک از وقوع جرایم و غیره) دارد (اسکوگان[۱۰]، ۱۹۹۰؛ لاگرنگ[۱۱]، ۱۹۹۲؛ اوستین و همکاران[۱۲]، ۲۰۰۲؛ راودنبوش[۱۳]، ۲۰۰۳؛ دالاگو و همکاران[۱۴]، ۲۰۰۹). در واقع، تعلق مکانی به‌عنوان یک متغیر پایدار که با گذشت زمان به توسعه می‌انجامد (براون و پرکینز، ۱۹۹۲)، به‌طور مستقیم منجر به

1- Huang et al
2- Putnam
3- Lewicka
4- Bronfenbrenner
5- Jessor
6- Manzo & Perkins
7- Pol
8- Uzzell et al
9- Vorkinn & Riese
10 Skogan
11- LaGrange et al
12- Austin et al
13- Raudenbush
14- Dallago et al

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-28]
[DOR: 20.1001.1.22287736.1300.0.0.49.2]
[DOI: 10.61186/jgs.23.71.81]

تقویت رفتارها و نگرش‌های محافظتی در برابر جرایم و افزایش پیوندهای اجتماعی می‌گردد (براون و همکاران، ۲۰۰۴؛ دالاگو و همکاران، ۲۰۰۹). افرادی که به مکان سکونت خود احساس تعلق یافته‌اند، نسبت به اجتماع، روابط محله‌ای و همکاری‌های متقابل که پایه‌های رفتاری سرمایه اجتماعی هستند نیز احساس قوی‌تری دارند. به‌عبارت‌دیگر، انسجام اجتماعی، اعتماد، انتظارات محله‌ای و کنترل غیررسمی بر دیگران، شرایط کلیدی سرمایه اجتماعی بوده که بیش‌تر در میان گروهی از افراد که دارای پیوند قوی و معناداری با محیط زندگی خود هستند، رایج است. از این‌رو، امروزه در ادبیات توسعه، مفهوم حس تعلق به مکان به شاخص و اصطلاح رایج در برنامه‌ریزی و طراحی اجتماعات محلی بدل شده است (بات و همکاران[1]، ۲۰۰۶).

به‌طورکلی پژوهش‌هایی در زمینه‌ی حس تعلق مکانی و ارتباط آن با سرمایه اجتماعی صورت پذیرفته که در ذیل به آن‌ها اشاره شده است:

عظیمی مهرورز و همکاران(۱۳۹۸) در پژوهشی تحت عنوان بررسی "تأثیر تعلق مکانی و کیفیت محیطی بر ارتقای رضایت‌مندی شهروندان از محلات (مطالعه موردی: محله کشاورز منطقه ۶ تهران)" به بررسی تأثیر تعلق مکانی و کیفیت محیطی در ارتقا رضایتمندی شهروندان از محلات به رشته تحریر درآمده است. حجم نمونه ۳۱۵ نفر برآورد گردید. به‌منظور آزمون فرضیات مطرح‌شده در این پژوهش از مدل‌سازی معادلات ساختاری در محیط نرم‌افزار لیزرل استفاده شد. نتایج پژوهش بیانگر این مطلب است حس تعلق مکانی و کیفیت محیط بر میزان رضایتمندی ساکنان از محله تأثیر معناداری دارد. شریف‌زاده و همکاران در سال ۱۳۹۵ در مقاله‌ای با عنوان "پدیدارشناسی برداشت روستاییان از تعلق مکانی در شهرستان زابل" یافته‌ها و نتایج پژوهش را بدین شرح ارائه نمودند: نتایج تحقیق شامل کدهای نمایا، فراوانی و درصد آن‌ها در قالب جدول‌هایی توصیف و در چهار دسته از عوامل پیش‌برنده و بازدارنده‌ی تعلق مکانی در بین روستاییان، شامل عوامل فرهنگی و اجتماعی، عوامل خدماتی و رفاهی، عوامل جغرافیایی اکولوژیکی و عوامل اقتصادی خلاصه شد. نتایج نشان داد که می‌توان از ابعاد مختلف محیطی، احساسی و روان‌شناختی به مکان و عوامل تأثیرگذار بر تعلق مکانی نگریست؛ بنابراین درک "مکان روستایی" مستلزم در نظر گرفتن عوامل فیزیکی و حسی تشکیل‌دهنده‌ی تعاملات عاطفی و روان‌شناختی مردم روستایی است. نقدی و همکاران (۱۳۹۵) در پژوهشی تحت عنوان "نقش سرمایه‌های اجتماعی در دلبستگی به مکان در محلات سنتی (نمونه موردی: محلات شهر همدان)" به نقش سرمایه‌ی اجتماعی در دلبستگی به مکان در محلات سنتی شهر همدان پرداخته است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که سرمایه‌های اجتماعی یک مکان تأثیر معناداری در فرآیند دلبستگی مکانی افراد نسبت به مکان‌های موردمطالعه دارد. در این روند و در فرآیند دلبستگی به مکان چهار عنصر انسان، مکان، ارزش‌های اجتماعی مکان و زمان، به‌عنوان بعد چهارم نقش مؤثری را می‌توانند در طراحی و ارتقای دلبستگی افراد به محلات شهری داشته باشند به‌طوری‌که زمان می‌تواند با عواملی چون گذشته تعاملی با مکان، خاطرات و رویدادها، طول مدت آشنایی افراد با یک مکان، میزان حضور و استفاده از آن و خاطره‌انگیزی مکان نقش مهمی در فرآیند دلبستگی به مکان داشته باشد.

1- Bott et al

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-28]
[DOR: 20.1001.1.22287736.1300.0.0.49.2]
[DOI: 10.61186/jgs.23.71.81]

زنگنه و همکاران (۱۳۹۳) در مطالعه‌ای به"بررسی تعلق مکانی و سرمایه‌ی اجتماعی بر بهسازی مشارکت محلات قدیمی سبزوار" پرداخته و به این نتیجه رسیده‌اند که دو متغیر سرمایه‌ی اجتماعی و تعلق مکانی، تأثیر معناداری بر سطح مشارکت ساکنان در بهسازی محله دارند. فراهانی و همکاران (۱۳۹۲) در پژوهشی تحت عنوان "ارزیابی نقش سرمایه اجتماعی در توسعه نواحی روستایی مطالعه موردی؛ دهستان مشهد میقان شهرستان اراک" به همین منظور سه شاخص انسجام اجتماعی مدنظر پانتام (اعتماد، مشارکت و شبکه‌ها) در قالب سرمایه اجتماعی پرداخته‌اند. نتایج حاصله حاکی از این است که بین افزایش سرمایه اجتماعی و بالا رفتن توسعه روستایی رابطه مثبت و کاملاً معناداری وجود دارد. به‌عبارت‌دیگر با افزایش میزان سرمایه اجتماعی در بین پاسخگویان، توسعه روستایی به‌ویژه در ابعاد اجتماعی و کالبدی تحول بیشتری را نشان می‌دهد. رهنما و رضوی (۱۳۹۰) در پژوهشی تحت عنوان "بررسی تأثیر حس تعلق مکانی بر سرمایه اجتماعی و مشارکت در محلات شهر مشهد" به معرفی کاربرد مدل‌های ساختاری (به علت چندبعدی بودن ابعاد بررسی و وجود متغیرهای مکنون) در حوزه مطالعات شهری پرداخت. در این تحقیق-نمونه‌ای ۵۰۰ نفری از ساکنین محلات منطقه ۴ و ۱۱ شهر مشهد به‌عنوان نمونه انتخاب‌شده و هر یک از متغیرهای سه‌گانه تحقیق که عبارت‌اند از حس تعلق مکانی، مشارکت و سرمایه اجتماعی، با استفاده از روش تحلیل عاملی اکتشافی موردبررسی قرار گرفت و سپس چهار مدل از چگونگی روابط متفاوت میان متغیرها تهیه شد. نتایج آن‌ها نشان می‌دهد؛ مدل تأثیرگذاری حس تعلق مکانی در افزایش سرمایه اجتماعی از طریق متغیرهای واسط، مشارکت، بهتر از سایر شاخص‌ها این روابط را تبیین می‌کند، به‌عبارت‌دیگر در یک رابطه علی غیرمستقیم، تقویت حس تعلق مکانی باعث افزایش مشارکت و افزایش سرمایه اجتماعی می‌گردد. سوینی[1] و همکاران (۲۰۱۲) بر مبنای حس تعلق مکانی به بررسی "برداشت ساکنان روستایی از چشم‌انداز منطقه نورمیجاوری در نزدیکی متروپلیتن هلسینکی جنوب فنلاند" پرداخته‌اند. به این منظور، نمونه‌ها در چهار خوشه (دارای همبستگی اجتماعی، دارای پیوندهای ضعیف، ریشه‌های فرهنگی مشابه و متعهد به مکان) گروه‌بندی شدند. این خوشه‌ها به‌ویژه خوشه‌ی ریشه‌های فرهنگی برحسب پایگاه اجتماعی و اقتصادی و نیز تعلق مکانی متفاوت بودند. بر اساس نتایج پژوهش، حس تعلق مکانی قوی به محافظت و نگهداشت مکان منجر می‌شود. دالاگو[2] و همکاران در سال ۲۰۰۹ در پژوهشی با عنوان "تعلق مکانی، سرمایه اجتماعی و امنیت ادراک‌شده در بین نوجوانان: مقایسه در سطح سیزده کشور" که با هدف بررسی تفاوت‌های ادراکی دانش‌آموزان پانزده‌ساله از مفاهیم مذکور انجام داده‌اند؛ فرضیه پیشنهادی خود بر این اساس بوده که تعلق مکانی، پیش‌بینی کننده‌ی ادراک امنیت است و این رابطه‌ی متقابل بر وجود سرمایه اجتماعی متمرکز است. نتایج تحقیق نشان داد که علی‌رغم تفاوت‌های میان فرهنگی در ادراک همسایگی، مدل نظری پیشنهاد شده در همه‌ی این سیزده کشور بشدت صادق است. لویکا[3] (۲۰۰۵) در مقاله خود با عنوان "راه‌های فعال ساختن مردم: نقش تعلق مکانی، سرمایه فرهنگی و روابط محله‌ای"، دو مسیر جایگزین را که منجر به فعالیت مدنی می‌گردد را پیشنهاد نمود: اول، مسیر اجتماعی و عاطفی که در آن رابطه

1- Soini
2. Dallago
3. Lewicka

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-28]
[DOR: 20.1001.1.22287736.1300.0.0.49.2]
[DOI: 10.61186/jgs.23.71.81]

تعلق مکانی و فعالیت مدنی از طریق سرمایه اجتماعی محلی (روابط محله‌ای) موردبررسی است و دوم، مسیر فرهنگی متشکل از سرمایه فرهنگی و علاقه به ریشه‌ها است. در این مطالعه، نمونه‌ها از سه منطقه‌ی لهستان که به لحاظ تاریخی و ریشه‌های فرهنگی متفاوت بودند، انتخاب شد. با انجام معادلات ساختاری، مدل دوطرفه مبنی بر مسیر اجتماعی و عاطفی و مسیر فرهنگی، در کل نمونه‌ها و در هر یک از سه منطقه به‌طور جداگانه تأیید شد. همچنین نتایج مشابهی از یک تجزیه‌وتحلیل جداگانه بر روی داده‌های خوشه‌ای نیز به دست آمد. پایتون[1] (۲۰۰۳) در پایان‌نامه خود تأثیر تعلق مکانی و سرمایه اجتماعی را بر عملکرد مدنی در ارتباط با حفظ و مدیریت منابع طبیعی موردمطالعه قرار داده است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که ارتباط معناداری بین تعلق مکانی، سرمایه اجتماعی و عملکرد مدنی در ارتباط با حفظ و مدیریت منابع طبیعی وجود دارد. ازاین‌رو مدیران می‌توانند با توجه به تعلق مکانی و سرمایه اجتماعی بازدیدکنندگان و استفاده‌کنندگان از محیط‌های طبیعی در جهت طراحی برنامه‌های مشارکتی شهروندی بهره ببرند. مروری بر پژوهش‌های صورت گرفته نشان می‌دهد، به‌ویژه در سال‌های اخیر، مطالعات متعددی در زمینه‌ی تعلق به مکان در علوم مختلف همچون شهرسازی، معماری، روان‌شناسی محیطی و غیره انجام پذیرفته است؛ اما به‌رغم جایگاه ویژه و پراهمیتی که مکان در مطالعات جغرافیا و برنامه‌ریزی به‌ویژه برنامه‌ریزی روستایی (با توجه به این‌که امروزه روستاها با مسائل عدیده‌ای نظیر مهاجرت، مشکلات اقتصادی، تهدیدات زیست‌محیطی، تضعیف روابط درون‌گروهی و کمبود تعاملات برون-گروهی مواجه‌اند) دارد، جای این مطالعات در این رشته خالی است و اندک پژوهش صورت گرفته، عمدتاً در حوزه‌ی جغرافیای شهری بوده است. همچنین بررسی‌های تحقیقاتی حاکی از آن است که معناپذیری مکان روستایی و توجه به ارتباط مؤثر بین حس تعلق به مکان و سرمایه اجتماعی روستاییان در متون داخلی و حتی خارجی تا حد زیادی مورد غفلت واقع‌شده است. از همین‌رو، پژوهش حاضر از یک‌سو با بررسی نحوهٔ تأثیرگذاری معناپذیری و حس تعلق به مکان در ارتقای سرمایه اجتماعی روستاییان و از سوی دیگر برای انتخاب جامعه آماری از بین گروه قومی کُرد که در طول تاریخ به استان گیلان کوچانده شده و دارای تفاوت-های بسیار با جامعه‌ی میزبان هستند، از سایر مطالعاتی که در این راستا مفهومی تاکنون صورت پذیرفته، متمایز می‌گردد.

روش تحقیق

این تحقیق از نظر هدف کاربردی و از نظر رویکرد توصیفی- تحلیلی است که با نمونه‌ای با حجم ۳۵۵ نفر از میان افراد روستاهای کردنشین در شهرستان رودبار انجام شده است. ابزار گردآوری داده‌ها در این پژوهش شامل: مطالعات کتابخانه‌ای برای جمع‌آوری اطلاعات مربوط به ادبیات تحقیق و سپس پژوهش‌های میدانی از طریق مشاهده و پرسش‌نامه بهره گرفته شد. جامعه آماری تحقیق، روستاهای کردنشین استان گیلان واقع در شهرستان رودبار با تعداد ۱۲ روستا و مجموع ۲۹۵۵ نفر جمعیت (بر اساس سرشماری سال ۱۳۹۵) می‌باشد شکل (۱) و جدول (۲). تعداد نمونه‌ها با استفاده از جدول مورگان تعداد ۳۴۰ پرسش‌نامه تکمیل گردید. طبق

1. Payton

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-28]
[DOR: 20.1001.1.22287736.1300.0.0.49.2]
[DOI: 10.61186/jgs.23.71.81]

برآورد صورت گرفته مقدار پایایی پرسش‌نامه برای شاخص‌های احساس تعلق مکانی ۰/۸۷۴ و برای شاخص‌های سرمایه اجتماعی ۰/۹۱۵ بر اساس آلفای کرونباخ به دست آمد.

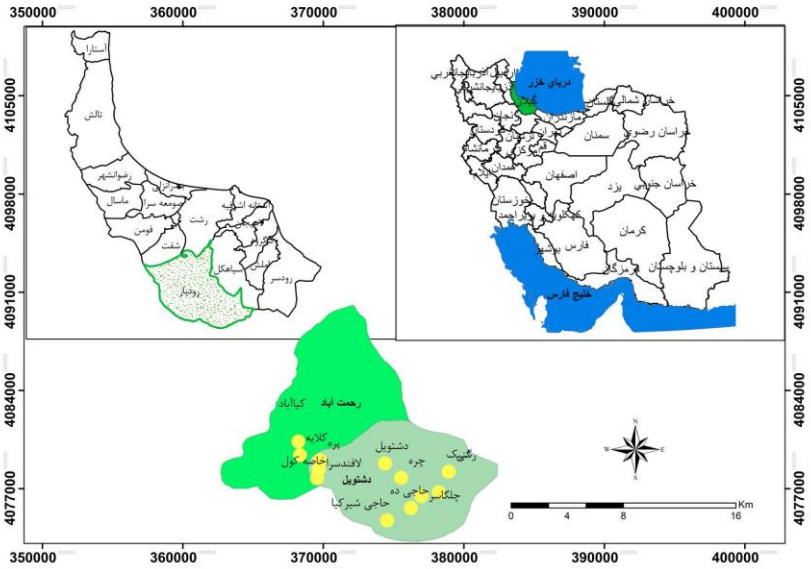

شکل (۱). موقعیت جغرافیایی منطقه موردمطالعه

گفتنی است، در پژوهش حاضر به‌منظور سنجش احساس تعلق مکانی کردهای استان گیلان، از سه شاخص ادارکی، کالبدی و عملکردی و همچنین جهت سنجش سرمایه اجتماعی آنان از شاخص‌های مشارکت اجتماعی، اعتماد بین‌فردی و تعمیم‌یافته، اعتماد نهادی، همبستگی اجتماعی، دانش بومی و آگاهی، شبکه‌های اجتماعی، امنیت، عضویت در شبکه‌ها و نهادهای دولتی و خصوصی و رضایت از عملکرد نهادهای دولتی و خصوصی، استفاده شده است. لازم به ذکر است در تدوین شاخص‌های حس تعلق مکانی علاوه بر مطالعه‌ی پژوهش‌های متعدد، از مطالعات صاحب‌نظرانی همچون فریتز استیل (۱۹۸۱)، پانتر (۱۹۹۱)، شامای (۱۹۹۱)، زو (۱۹۹۵)، استفانویچ (۱۹۹۸)، بونیتو و همکاران (۲۰۰۲) و سالواسن (۲۰۰۲) و نیز شاخص‌های سرمایه اجتماعی از مطالعه محمودی و همکاران (۱۳۹۵)، بهره گرفته شده است. جدول (۲) ابعاد، مؤلفه‌ها، معیارها و گویه‌های پژوهش را نشان می‌دهد.

جدول (۲). ابعاد، مؤلفه‌ها، معیارها و گویه‌های پژوهش

ابعاد	مؤلفه‌ها	شاخص‌ها	متغیرها
محیطی و کالبدی	ادراکی	چشم‌انداز	چشم‌انداز (منظره) طبیعی روستا مانند موقعیت طبیعی روستا (دشتی، دامنه‌ای یا کوهستانی بودن)، وجود چشم‌انداز زیبای فرهنگی مانند معماری و آثار دیدنی و معابر زیبا، وجود آب‌وهوای مناسب، فضای سبز نظیر جنگل و پارک، آبشارها
		موقعیت مکانی	موقعیت روستا، مخاطرات محیطی، تمایل به ماندگاری، لذت‌بخش بودن مکان، ارزش مکانی
	زیرساختی	وضعیت کالبدی	چهره ظاهری روستا مانند نوع بافت مسکونی (داشتن خانه‌های نوساز و بادوام)، خیابان‌ها، میادین و بازارها، استانداردسازی مساکن (وجود تسهیلات مناسب در واحدهای مسکونی «گرمایشی، سرمایشی، نورگیری،

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-28]
[DOR: 20.1001.1.22287736.1300.0.0.49.2]
[DOI: 10.61186/jgs.23.71.81]

			روشنایی کافی»، نوع مصالح، برخورداری از امکانات پستی و مخابراتی، برخورداری از سیستم جمع‌آوری زباله، برخورداری از شبکه بهداشتی جمع‌آوری و دفع فاضلاب، برخورداری از خدمات درمانی و بهداشتی، وجود امکانات مناسب فرهنگی در روستا نظیر کتابخانه، وجود فضاها و امکانات مذهبی در روستا، امکانات ورزشی روستا
		دسترسی به خدمات	دسترسی مناسب به اینترنت، دسترسی به مدارس در مقاطع مختلف تحصیلی، رضایت از دسترسی به خدمات و تسهیلات زیربنایی و زیرساختی مانند راه ارتباطی مناسب، دسترسی به خدمات مالی و اعتباری (بانک، وام، صندوق قرض‌الحسنه)
	امنیت	امنیت اجتماعی و فیزیکی	امنیت در معابر روستا، میزان وقوع جرایم، دسترسی به پاسگاه انتظامی و رضایت از آن
اجتماعی	مشارکت و همبستگی	مشارکت اجتماعی	روحیه همکاری و کار گروهی، مشارکت در فعالیت‌های عمرانی و بهسازی، مشارکت با اعضای شورای اسلامی روستا، مشارکت در فعالیت‌های عام‌المنفعه روستا، مشارکت در حل اختلافات بین مردم روستا، کمک فکری با مدیران محلی و ریش‌سفیدان روستا
		همبستگی اجتماعی	جشن‌ها و سوگواری‌ها، وابستگی به تبار و طایفه خاص، زبان و گویش محلی، قدمت خانوادگی افراد در سکونت‌گزینی، روابط خویشاوندی، روابط با سایر قومیت‌های ساکن استان
	اعتماد	اعتماد بین فردی و تعمیم‌یافته	میزان اعتماد اعضای خانواده به یکدیگر، میزان اعتماد به خویشاوندان، میزان اعتماد کشاورزان به یکدیگر، میزان اعتماد به مروجین جهاد کشاورزی
		اعتماد نهادی	میزان اعتماد به دولت، میزان اعتماد به شورای روستا، میزان اعتماد به شورای حل اختلاف
	شبکه‌ای	روابط و تعاملات	میزان روابط اعضای خانواده با یکدیگر، میزان روابط با خویشاوندان در روستا و خارج از روستا، میزان روابط با غیرخویشاوندان (اهالی روستا و دوستان)
		شبکه‌های اجتماعی	میزان تعامل با مدیران، کارشناسان و متخصصان آژانس‌های دولتی درگیر با کشاورزی، تعامل با ادارات و بخش‌های دولتی خارج از روستا، میزان تعامل با نمایندگان در سطح استان
	دانش و آگاهی	دانش بومی	میزان استفاده از تجارب گذشتگان در کشاورزی، میزان استفاده از شیوه‌های بومی کشت و آیش محصولات، میزان استفاده از تجارب دیگران در زندگی و فعالیت شغلی و حرفه‌ای
		آگاهی	میزان آگاهی از دانش جدید کشاورزی، آگاهی از برنامه‌ها و طرح‌های ترویجی روستا و آثار و نتایج این برنامه‌ها، آگاهی از مسائل و مشکلات روستا، آگاهی از برنامه‌های ترویجی آینده
اقتصادی و نهادی	نهادی	رضایت از عملکرد نهادها	رضایت از نمایندگان مجلس، رضایت از دولت، رضایت از نهادهای سیاسی و اداری روستا
		عضویت در شبکه‌ها و نهادها	عضویت در نهادهای روستایی، عضویت در انجمن‌ها، صنوف، اتحادیه‌ها و شبکه‌های خصوصی
	اقتصادی	وضعیت زمین	تغییر کاربری اراضی، گردشگری روستایی، تملک زمین کشاورزی، تملک واحد مسکونی، مالکیت ماشین-آلات کشاورزی
		درآمد و اشتغال	تأمین نیازهای اساسی، رضایت از شغل و درآمد، میزان برخورداری از درآمد مناسب، ابعاد عرضه نیروی کار در روستا

مأخذ: Steele, 1981; Punter, 1991; Shamai, 1991; Xu, 1995; Stefanovic, 1998; Bonaiuto et al, 2002; Salvesen, 2002

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-28]
[DOR: 20.1001.1.22287736.1300.0.0.49.2]
[DOI: 10.61186/jgs.23.71.81]

نتایج

الف- یافته‌های توصیفی

یافته‌های توصیفی پژوهش نشان می‌دهد، ۵۲ درصد پاسخگویان مرد و ۴۷ درصد زن بوده‌اند. همچنین به لحاظ ویژگی‌های سنی، ۵ درصد در گروه سنی ۳۵-۲۰ سال، ۳۹ درصد در گروه سنی ۵۰-۳۶ سال و ۵۵ درصد نیز در گروه سنی بالای ۵۰ سال بوده‌اند. وضعیت سواد و تحصیلات پاسخگویان بیانگر آن است که افراد دارای تحصیلات سیکل با ۵۸ درصد، بیشترین تعداد و افراد دارای مدرک لیسانس و بالاتر با ۲ درصد، کمترین تعداد پاسخگویان را به خود اختصاص داده‌اند. همچنین بر اساس نتایج مندرج در جدول ۴، توزیع پاسخگویان به لحاظ وضعیت شغلی نیز نشان می‌دهد، ۳۷ درصد کشاورز، ۲۷ درصد خانه‌دار، ۸ درصد دامدار، یک درصد معلم، ۱۱ درصد دارای شغل آزاد و ۱۴ درصد دارای سایر مشاغل بوده‌اند. محل اشتغال ۸۳ درصد از نمونه‌های موردمطالعه روستای محل زندگی‌شان است. همچنین نتایج نشان داد، تمامی پاسخگویان دارای ملک شخصی بوده‌اند. قابل‌ذکر است، از طریق مصاحبه با جامعه آماری موردمطالعه، مهم‌ترین مشخصه‌های ممتاز روستا و نیز مهم‌ترین عوامل ناخوشایند مکان شناسایی و در ۱۵ مورد به شرح جدول (۳) دسته‌بندی شدند.

جدول (۳). مهم‌ترین مشخصه‌های ممتاز و عوامل ناخوشایند مکان از نظر روستاییان موردمطالعه

ردیف	مشخصه ممتاز روستا	عوامل ناخوشایند مکان
۱	امکان کشت محصولات متنوع همچون توت‌فرنگی، آلو، فندق و غیره	مهاجرت جوانان روستا به شهرهای دیگر
۲	شرایط مناسب و مطلوب جهت پرورش دام و فعالیت دام‌پروری	نبود گاز
۳	فروش محصولات دامی و کشاورزی هرساله به کشاورزان	کمبود آب در فصل کشاورزی برای آبیاری محصولات
۴	برگزاری جشنواره توت‌فرنگی برای فروش محصول توت‌فرنگی تولیدی کشاورزان	ریختن زباله توسط گردشگران
۵	قرار گرفتن روستا در مسیر داماش و ایجاد بستر برای جذب گردشگران	کم‌توجهی مسئولین به خواسته‌های مردم
۶	بهره‌مندی از اقلیم مناسب	بیکاری جوانان و عدم وجود مشاغل مناسب در روستا
۷	وجود همسایگان خوب و قابل‌اعتماد	راه نامناسب و دسترسی نامطلوب به مراکز شهرستان و استان
۸	برخورداری از روحیه همیاری در بین روستاییان در ابعاد انسانی، فکری و مالی	فاصله زیاد تا مراکز شهری
۹	وجود غار دربند در رشی که سکونتگاه انسان‌های اولیه بوده است	بوی نامطبوع نگهداری دام‌ها در روستا
۱۰	بهره‌مندی از طبیعت زیبا و جنگل‌ها و رودخانه‌های بکر	نداشتن امکانات رفاهی و تفریحی مناسب و کافی
۱۱	وجود نیروی جوان و تحصیلکرده در روستا	وضعیت اقتصادی نامطلوب و فراهم نبودن نیازهای اولیه زندگی
۱۲	دهیار و اعضای شورای فعال	نبود امکانات ورزشی مناسب برای جوانان
۱۳	وجود افرادی که منجر به رونق روستاها شده‌اند (خانه‌های دوم)	عدم وجود داروخانه و امکانات درمانی در نزدیکی روستا
۱۴	برگزاری دوره‌های مختلف آموزشی در روستا در زمینه‌های کشاورزی و دامداری	عدم وجود سیستم جمع‌آوری زباله و ایجاد بوی نامطبوع در روستا
۱۵	فعالیت صنایع‌دستی در بین زنان	کمبود وسایل آموزشی در مدارس

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-28]
[DOR: 20.1001.1.22287736.1300.0.0.49.2]
[DOI: 10.61186/jgs.23.71.81]

ب- یافته‌های استنباطی

در این بخش ابتدا به‌منظور ارزیابی وضعیت سطح احساس تعلق مکانی جامعه موردمطالعه از آزمون T تک-نمونه‌ای یا T تک‌گروهی بهره گرفته شده است. نتایج تحقیق جدول (۴) نشان می‌دهد، میانگین نمره احساس تعلق مکانی مشاهده شده ۳/۱ با انحراف استاندارد ۰/۴ است که به‌طور معناداری با نمره معیار (۳) اختلاف مثبت و معنی‌دار دارد. بدین ترتیب، با آگاهی از میزان احساس تعلق مکانی جامعه نمونه، به بررسی مؤلفه‌ها و شاخص‌های مکانی- فضایی (جغرافیایی) مؤثر در آن می‌پردازیم.

جدول (۴). تحلیل T تک نمونه‌ای برای مقایسه نمره احساس تعلق مکانی نمونه‌های موردمطالعه با نمره معیار

متغیر	میانگین	انحراف استاندارد	نمره معیار	مقدار T	سطح معناداری (Sig.)
احساس تعلق مکانی	۳/۱	۰/۴۰	۳	۸/۰۷۹	۰/۰۰۰

مأخذ: محاسبات نگارندگان، ۱۳۹۶

در این پژوهش به‌منظور تبیین سیستماتیک عوامل تأثیرگذار بر تعلق مکانی و نیل به یک مدل جامع از تکنیک چند متغیری تحلیل مسیر استفاده شد و تأثیرات مستقیم و غیرمستقیم متغیرهای موردبحث، در یک مدل موردبررسی قرار گرفت. بدین منظور بر اساس پژوهش‌های انجام‌گرفته و تئوریات موجود در این زمینه، مدل-های مختلف طرح و اجرا شد که نهایتاً مدل مندرج در شکل (۲) تأیید شد. همچنین میزان اثرات مستقیم و غیرمستقیم متغیرها بر متغیر وابسته محاسبه شد که نتایج در جدول (۷) درج شده است. بر اساس نتایج تحقیق، متغیرهای کالبدی تعلق مکانی، بعد اعتماد سرمایه اجتماعی، بعد محیطی تعلق مکانی، بعد اقتصادی تعلق مکانی، بعد شبکه‌های اجتماعی (درون‌گروهی و برون گروهی) سرمایه اجتماعی و بعد مشارکت سرمایه اجتماعی به ترتیب مهم‌ترین عواملی هستند که به‌صورت مستقیم بر نمایه تعلق مکانی روستاییان مؤثر هستند. بر اساس نتایج تحلیل رگرسیون ضریب همبستگی ۰/۷۹۳ و ضریب تعدیل ۰/۶۷۲ محاسبه شد جدول (۶). به‌عبارت‌دیگر متغیرهای مستقل بیش از ۷۲ درصد از احساس تعلق مکانی روستایی را تبیین می‌کنند که از نظر آماری در سطح مطلوبی قرار دارد جدول (۵).

جدول (۵). نتایج مربوط به برآورد مدل عوامل مؤثر بر تعلق مکانی

متغیر	B	Std. Error	Beta	t	Sig.
بعد کالبدی تعلق مکانی	۰/۴۳۱	۰/۰۶۰	۰/۴۵۶	۷/۲۳۷	۰/۰۰۰
بعد محیطی تعلق مکانی	-۰/۱۷۸	۰/۰۶۰	۰/۱۶۸	-۲/۹۵۹	۰/۰۰۰
بعد عملکردی تعلق مکانی	۰/۱۳۸	۰/۰۹۰	۰/۱۲۹	۱/۵۳۲	۰/۰۰۳
بعد ادراکی تعلق مکانی	-۰/۳۴۸	۰/۰۴۸	۰/۴۲۲	-۷/۲۱۶	۰/۱۲۶
بعد اعتماد بین فردی سرمایه اجتماعی	۰/۱۷۳	۰/۰۶۳	۰/۲۱۶	۲/۷۶۵	۰/۰۰۰
بعد شبکه‌های اجتماعی (درون‌گروهی و برون‌گروهی)	-۰/۰۷۷	۰/۰۵۵	۰/۰۷۹	-۱/۳۹۳	۰/۰۰۶
بعد دانش بومی سرمایه اجتماعی	-۰/۴۳۱	۰/۰۵۶	۰/۵۳۷	-۷/۷۳۴	۰/۱۶۵
بعد مشارکت سرمایه اجتماعی	-۰/۰۰۷	۰/۰۷۷	۰/۰۰۹	-۰/۰۹۱	۰/۰۰۰
همبستگی اجتماعی	۰/۴۷۰	۰/۰۵۰	۰/۶۷۲	۹/۴۷۳	۰/۹۲۸

مأخذ: محاسبات نگارندگان، ۱۳۹۶

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-28]
[DOR: 20.1001.1.22287736.1300.0.0.49.2]
[DOI: 10.61186/jgs.23.71.81]

جدول (۶). ضریب همبستگی شاخص‌ها

استاندارد اشتباه تخمینی	ضریب تعدیل‌شده	ضریب تعیین	ضریب چندگانه همبستگی
۲/۳۵	۰/۶۹۰	./۶۷۲	./[a]۷۹۳

مأخذ: محاسبات نگارندگان، ۱۳۹۶

بر اساس محاسبات بعد کالبدی تعلق مکانی مهم‌ترین عاملی است که تأثیر مثبت و مستقیمی بر نمایه تعلق مکانی دارد. بعد کالبدی شامل نوع طراحی خانه‌ها متناسب با شرایط زندگی روستایی، به‌کارگیری مصالح بومی مطابق با شرایط محیط، کیفیت کوچه و محله و خیابان‌های روستا، استحکام روستا در برابر خطراتی چون سیل، زلزله، دسترسی روستا به خدمات و تسهیلاتی چون مدرسه، مخابرات، امکانات بهداشتی و...دسترسی روستا به امکانات مذهبی، فرهنگی و ورزشی می‌شود که از نظر روستاییان اثرگذارترین عواملی بود که منجر به ارتقای حس تعلق مکانی روستاییان گشته است. متغیر مستقل دیگر که در جایگاه بعدی قرار دارد بعد اعتماد روستاییان است که شامل ابعاد درون‌گروهی و برون گروهی است که شامل مواردی چون اعتماد و همیاری روستاییان نسبت به یکدیگر امانت دادن وسایل خود به یکدیگر، همفکری در مسائل و مشکلات شخصی، پایبند بودن مردم به قول و قرارهای خود، رعایت کردن حق مالکیت آب و زمین، اعتماد روستاییان نسبت به برنامه-های دولتی، کارآمد بودن شورا و دهیاران روستا، اهمیت دادن مدیران اجرایی روستا نسبت به نیازهای روستاییان می‌باشد. با توجه به نظرات و خواسته‌های روستاییان در صورت افزایش و تقویت حس اعتماد چه در زمینه فردی و چه در زمینه بیرونی منجر به افزایش حس تعلق به مکانی بین روستاییان می‌گردد. مورد بعدی که در جایگاه سوم قرار دارد بعد محیطی تعلق مکانی است این بعد به مواردی چون چشم‌انداز طبیعی روستا مانند موقعیت طبیعی روستا، وجود چشم‌انداز زیبای، وجود آب‌وهوای مناسب، فضای سبز نظیر جنگل و پارک، آبشارها، موقعیت قرارگیری روستا، مخاطرات محیطی، تمایل به ماندگاری، لذت‌بخش بودن مکان، مهم بودن مکان اشاره می‌کند. در واقع وجود آب‌وهوای مناسب و منظره زیبای روستا، وجود موقعیت طبیعی روستا منجر به افزایش تعلق مکانی روستاییان شده است. چهارمین متغیر مستقلی که به‌صورت مستقیم اثرگذار است بعد متغیر اقتصادی تعلق مکانی که شامل تغییر کاربری اراضی، گردشگری روستایی، تملک زمین کشاورزی، تملک واحد مسکونی، مالکیت ماشین‌آلات کشاورزی، تأمین نیازهای اساسی، رضایت از شغل و درآمد، وضعیت برخورداری از درآمد مناسب، ویژگی‌های عرضه نیروی کار در روستا، دسترسی به خدمات مالی و اعتباری (بانک، وام، صندوق قرض‌الحسنه) است. در جایگاه بعدی شبکه‌اجتماعی درون‌گروهی و برون گروهی است که به‌صورت مستقیم بر احساس تعلق مکانی اثر می‌گذارد نحوه ارتباط روستاییان با یکدیگر، رفت‌وآمد با خویشاوندان و غیر خویشاوند که وارد روستا می‌شود، درد و دل با دیگران، و برون گروهی به میزان آشنایی روستاییان با افراد دولتی درگیر کشاورزی، تعامل با افراد خارج از روستا، ارتباط روستاییان با نمایندگان و. است، اما بیشترین تأثیر در این روستاها بر شبکه‌های اجتماعی درون‌گروهی قوی‌تر بوده که منجر به افزایش حس تعلق مکانی در روستا می‌گردد. مورد آخر که به‌صورت مستقیم بر حس تعلق مکانی تأثیرگذار است بعد مشارکت سرمایه اجتماعی است در این بعد به مواردی چون روحیه همکاری و کار گروهی، مشارکت در فعالیت‌های عمرانی و بهسازی، مشارکت با اعضای شورای اسلامی روستا، مشارکت در فعالیت‌های عام‌المنفعه

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-28]
[DOR: 20.1001.1.22287736.1300.0.0.49.2]
[DOI: 10.61186/jgs.23.71.81]

روستا، مشارکت در حل اختلافات بین مردم روستا، کمک فکری با مدیران محلی و ریش‌سفیدان روستا پرداخته‌شده است با توجه به اظهارات روستاییان در این بعد افراد روستا از حس مشارکت خوبی برخوردار بودند. با توجه به بررسی‌ها این عوامل جزء عوامل مستقیم تأثیرگذار بوده‌اند اما یکسری عوامل هم هستند که به‌صورت غیرمستقیم بر حس تعلق مکانی اثر می‌گذارند این عوامل را می‌توان به مواردی چون شبکه‌های اجتماعی است که به‌صورت غیرمستقیم بر حس تعلق مکانی اثر می‌گذارد این اثرات از طریق ابعاد محیطی، کالبدی و ادراکی است. یک بعد دیگر که به‌صورت غیرمستقیم بر حس تعلق مکانی اثرگذار است و منجر به افزایش این حس در روستاییان می‌گردد. بعد مشارکت سرمایه اجتماعی است که خود از طریق سه بعد دیگر بعد محیطی و اعتماد فردی و گروهی بر حس تعلق مکانی اثر می‌گذارد. بعد آخری که به‌صورت غیرمستقیم اثر می‌گذارد بعد عملکردی تعلق مکانی است که این بعد نیز از طریق بعد محیطی و اعتماد فردی و گروهی بر افزایش حس تعلق مکانی اثر می‌گذارد.

جدول (۷). تجزیه اثرات متغیرهای تبیین‌کننده حس تعلق مکانی

متغیر	تأثیر مستقیم	تأثیر غیرمستقیم	تأثیر کل
بعد کالبدی تعلق مکانی	۰/۴۵۸		۰/۴۵۶
بعد محیطی تعلق مکانی	۰/۱۶۸		۰/۱۶۸
بعد ادراکی تعلق مکانی	۰/۴۲۲		۰/۴۲۲
بعد اعتماد بین فردی سرمایه اجتماعی	۰/۲۱۶		۰/۲۱۶
بعد دانش بومی سرمایه اجتماعی	۰/۵۳۷		۰/۵۳۷
همبستگی اجتماعی	۰/۶۷۲		۰/۶۷۲
بعد شبکه‌های اجتماعی+ بعد کالبدی		۰/۰۹۲	۰/۰۹۲
بعد شبکه‌های اجتماعی+ بعد محیطی		۰/۰۴۹	۰/۰۴۹
بعد شبکه‌های اجتماعی+ بعد ادراکی		۰/۰۷۳	۰/۰۷۳
بعد مشارکت اجتماعی+ بعد محیطی		۰/۰۹۳	۰/۰۹۳
بعد مشارکت اجتماعی+ بعد اعتماد فردی و گروهی		۰/۱۱۳	۰/۱۱۳
بعد عملکردی تعلق مکانی+ بعد محیطی تعلق مکانی		۰/۰۹۱	۰/۰۹۱
بعد عملکردی+ بعد اعتماد فردی و گروهی سرمایه اجتماعی		۰/۰۲۷	۰/۰۲۷

مأخذ: محاسبات نگارندگان، ۱۳۹۶

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-28]
[DOR: 20.1001.1.22287736.1300.0.0.49.2]
[DOI: 10.61186/jgs.23.71.81]

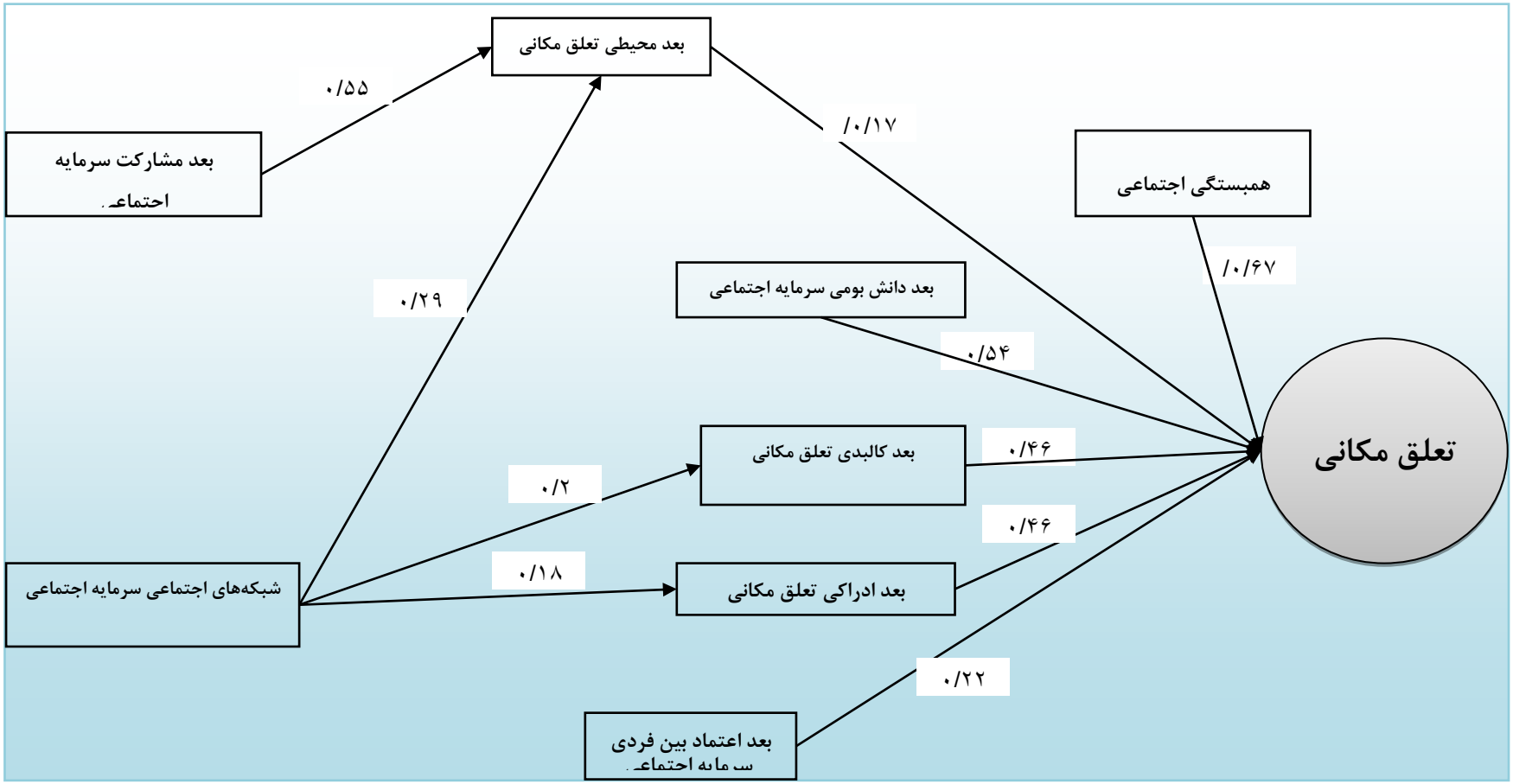

شکل (۲). نمودار تحلیل مسیر

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-28]
[DOR: 20.1001.1.22287736.1300.0.0.49.2]
[DOI: 10.61186/jgs.23.71.81]

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-28]

[DOR: 20.1001.1.22287736.1300.0.0.49.2]

[DOI: 10.61186/jgs.23.71.81]

بحث و نتیجه‌گیری

حس تعلق مکانی یکی از علائم و عوامل مهم در ارزیابی ارتباط انسان با محیط و ایجاد محیط‌های انسانی باکیفیت است. این سطح از معنای محیطی بیانگر نوعی ارتباط عمیق فرد با محیط بوده و در این سطح فرد نوعی هم‌ذات پنداری بین خود و مکان احساس می‌نماید. بر اساس یافته‌های نظری پژوهش، مهم‌ترین عوامل مؤثر بر افزایش احساس تعلق مکانی در سه بُعد مکانی (شاخص‌های محیطی و کالبدی)، اقتصادی (شاخص‌های کاربری زمین، شغل و درآمد و خدمات مالی) و اجتماعی- سیاسی (شاخص‌های امنیت، مشارکت اجتماعی، همبستگی اجتماعی، انسجام اجتماعی و نهادهای رسمی و غیررسمی) با استناد به مطالعات صاحب‌نظرانی همچون فریتز استیل (۱۹۸۱)، پانتر (۱۹۹۱)، شامای (۱۹۹۱)، بونتو و همکاران (۲۰۰۲)، سالواسن (۲۰۰۲)، پرتی و همکاران (۲۰۰۳)، براون و ریموند (۲۰۰۷)، رضوانی و احمدی (۱۳۸۸)، جوان فروزنده و مطلبی (۱۳۹۰) و مشکینی و همکاران (۱۳۹۳) شناسایی شدند. علاوه بر این، با استناد به سوینی و همکاران (۲۰۱۴)، دالاگو و همکاران در سال ۲۰۰۹، لویکا (۲۰۰۵)، پایتون (۲۰۰۳) به بررسی شاخص‌های تعلق مکانی و سرمایه اجتماعی پرداخته شده است؛ و تقریباً در اکثر این پژوهش‌ها به بررسی این موضوع پرداخته شد که افزایش حس تعلق به مکان در افراد منجر به افزایش سرمایه اجتماعی و مشارکت روستاییان می‌گردد. در این پژوهش هم که اثرات مستقیم و غیرمستقیم شاخص‌های تعلق مکانی و سرمایه اجتماعی بررسی‌شده است طبق نتایج این تحقیق نیز تقریباً تمام شاخص‌های تعلق مکانی به‌صورت مستقیم بر سرمایه اجتماعی اثرگذارند. حتی در مواردی به‌صورت غیرمستقیم این اثرات را بر جا می‌گذارند. از شاخص‌های بر اساس نتایج تحقیق، متغیرهای کالبدی تعلق مکانی، بعد اعتماد سرمایه اجتماعی، بعد محیطی تعلق مکانی، بعد اقتصادی تعلق مکانی، بعد شبکه‌های اجتماعی (درون‌گروهی و برون گروهی) سرمایه اجتماعی و بعد مشارکت سرمایه اجتماعی به ترتیب مهم‌ترین عواملی هستند که به‌صورت مستقیم بر نمایه تعلق مکانی روستاییان مؤثر هستند. بر اساس نتایج تحلیل رگرسیون ضریب همبستگی ۰/۷۹۳ و ضریب تعدیل ۰/۶۷۲ محاسبه شد. به‌عبارت‌دیگر متغیرهای مستقل بیش از ۷۲ درصد از احساس تعلق مکانی روستایی را تبیین می‌کنند که از نظر آماری در سطح مطلوبی قرار دارد. بر اساس محاسبات بعد کالبدی تعلق مکانی مهم‌ترین عاملی است که تأثیر مثبت و مستقیمی بر نمایه تعلق مکانی دارد. بعد کالبدی شامل نوع طراحی خانه‌ها متناسب با شرایط زندگی روستایی، به‌کارگیری مصالح بومی مطابق با شرایط محیط، کیفیت کوچه و محله و خیابان‌های روستا، استحکام روستا در برابر خطراتی چون سیل، زلزله، دسترسی روستا به خدمات و تسهیلاتی چون مدرسه، مخابرات، امکانات بهداشتی و...دسترسی روستا به امکانات مذهبی، فرهنگی و ورزشی می‌شود که از نظر روستاییان اثرگذارترین عواملی بود که منجر به ارتقای حس تعلق مکانی روستاییان گشته است. متغیر مستقل دیگر که در جایگاه بعدی قرار دارد بعد اعتماد روستاییان است که شامل ابعاد درون‌گروهی و برون گروهی است که شامل مواردی چون اعتماد و همیاری روستاییان نسبت به یکدیگر (امانت دادن وسایل خود به یکدیگر، همفکری در مسائل و مشکلات شخصی، پایبند بودن مردم به قول و قرارهای خود، رعایت کردن حق مالکیت آب و زمین، اعتماد روستاییان نسبت به برنامه‌های دولتی، کارآمد بودن شورا و دهیاران روستا، اهمیت دادن مدیران اجرایی روستا نسبت به نیازهای روستاییان

می‌باشد. با توجه به نظرات و خواسته‌های روستاییان در صورت افزایش و تقویت حس اعتماد چه در زمینه فردی و چه در زمینه بیرونی منجر به افزایش حس تعلق به مکانی بین روستاییان می‌گردد. مورد بعدی که در جایگاه سوم قرار دارد بعد محیطی تعلق مکانی است این بعد به مواردی چون چشم‌انداز (منظره) طبیعی روستا مانند موقعیت طبیعی روستا، وجود چشم‌انداز زیبای، وجود آب‌وهوای مناسب، فضای سبز نظیر جنگل و پارک، آبشارها، موقعیت قرارگیری روستا، مخاطرات محیطی، تمایل به ماندگاری، لذت‌بخش بودن مکان، مهم بودن مکان اشاره می‌کند. در واقع وجود آب‌وهوای مناسب و منظره زیبای روستا، وجود موقعیت طبیعی روستا منجر به افزایش تعلق مکانی روستاییان شده است.

منابع

ایمانی، بهرام، باختر، سهیلا، خوش‌رفتار، عبدالرضا (۱۳۹۴)، **بررسی و ارزیابی تأثیر سرمایه اجتماعی بر کیفیت زندگی در مناطق روستایی مطالعه موردی: شهرستان اسلام‌آباد غرب**، پژوهش‌های روستایی، ۶(۴): ۸۹۴-۸۷۵.

پرتوی، پروین (۱۳۹۴)، **پدیدارشناسی مکان**، انتشارات پدیدارشناسی مکان، تهران.

ذکاوت، کامران؛ دهقان، یاسمن سادات (۱۳۹۵)، **مدل مدیریت خلق مکان و مؤلفه‌های سازنده کیفیت در عرصه عمومی**، فصلنامه معماری و شهرسازی آرمان‌شهر، (۱۷): ۲۲۴-۲۱۵.

راپوپورت، ایماس (۱۳۹۲)، **معنی محیط ساخته‌شده: رویکردی در ارتباط غیرکلامی**، ترجمه: فرح حبیب، انتشارات شرکت پردازش و برنامه‌ریزی شهری، تهران.

رضوانی، محمدرضا، احدی، علی (۱۳۸۸)، **مکان و نقش فرهنگ در شکل‌گیری هویت مکانی**، فصلنامه تحقیقات فرهنگی، (۶): ۴۵-۶۸.

رضویان، محمدتقی؛ شمس پویا، محمدکاظم؛ ملاتبارلهی، عبدا... (۱۳۹۳)، **کیفیت محیط کالبدی و حس مکان (موردشناسی: دانشجویان دانشگاه شهید بهشتی تهران)**، فصلنامه جغرافیا و آمایش شهری- منطقه‌ای، (۱۰): ۹۶-۸۷.

رکن‌الدین افتخاری، عبدالرضا؛ سجاسی قیداری، حمدالله؛ عینالی، جمشید (۱۳۸۶)، **نگرشی نو به مدیریت روستایی با تأکید بر نهادهای تأثیرگذار**، مجله روستا و توسعه، ۱۰(۲): ۳۱-۱.

رلف، ادوارد (۱۳۹۰)، **مکان و حس لامکانی**، ترجمه: جلال تبریزی، انتشارات جلال تبریزی، تهران.

رهنما، محمد رحیم، رضوی، محمد حسن (۱۳۹۱)، **بررسی تأثیر حس تعلق مکانی بر سرمایه اجتماعی و مشارکت در محلات شهر مشهد**، نشریه هنرهای زیبا- معماری و شهرسازی، ۱۷(۲): ۲۹-۳۶.

زنگنه، یعقوب، حسین‌آبادی، سعید، نبی‌پور، رضا (۱۳۹۳)، **تأثیر تعلق مکانی و سرمایه اجتماعی بر بهسازی مشارکتی محلات قدیمی، نمونه موردی محله سرده سبزوار**، مجله پژوهش و برنامه‌ریزی شهری، ۵ (۱۹): ۱۲۸-۱۱۱.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-28]
[DOR: 20.1001.1.22287736.1300.0.0.49.2]
[DOI: 10.61186/jgs.23.71.81]

شریف‌زاده، محمدشریف؛ عبدالله‌زاده، غلامحسین؛ اژدرپور، علیرضا؛ شریفی، مهنوش. (۱۳۹۵). **پدیدارشناسی برداشت روستاییان از تعلق مکانی در شهرستان زابل، فصلنامه توسعه محلی (روستایی- شهری)**، ۸ (۱): ۱۳۸-۱۱۳.

عبداللهیان، حمید؛ شریعتی، شیما؛ شوشتری زاده، الهام، (۱۳۸۵)، **اندازه‌گیری عملکرد مدیریت روستایی در ایران بر اساس عوامل تأثیرگذار بر فرآیند مدیریت در روستاهای ایران**، فصلنامه مدرس علوم انسانی، ویژه‌نامه مدیریت، ۲۶۷-۲۲۷.

عظیمی مهرورز، المیرا، مبری، حسین، فرزادمنش، مریم (۱۳۹۸)، **بررسی تأثیر تعلق مکانی و کیفیت محیطی بر ارتقاء رضایتمندی شهروندان از محلات (مطالعه موردی: محله کشاورز منطقه ۶تهران)**، مجله جغرافیای کاربردی، مقاله آماده انتشار در شماره جاری.

فراهانی، حسین، عینالی، جمشید، عبدلی، سمیه (۱۳۹۲)، **ارزیابی نقش سرمایه اجتماعی در توسعه نواحی روستایی مطالعه موردی؛ دهستان مشهد میقان شهرستان اراک**، مجله جغرافیای کاربردی، ۱۳(۲۹): ۵۰-۲۳.

فلاحت، محمدصادق، (۱۳۸۵)، **مفهوم حس مکان و عوامل شکل‌دهنده آن**، نشریه هنرهای زیبا، (۲۶): ۶۶-۵۷.

قربانی، مهدی؛ راسخی، ساره؛ کرمی، آزاده. (۱۳۹۶). **تحلیل خصوصیات ساختاری سرمایه اجتماعی در استقرار مدیریت اجتماع‌محور روستایی (موردمطالعه: شهرستان ریگان، استان گیلان)**، فصلنامه پژوهش‌های روستایی، ۸ (۲): ۲۴۰-۲۲۸.

کاشی، حسین؛ بنیادی، ناصر. (۱۳۹۲). **تبیین مدل هویت مکان- حس مکان و بررسی عناصر و ابعاد مختلف آن**. نشریه هنرهای زیبا- معماری و شهرسازی، ۱۸(۳): ۵۲-۴۳.

لینچ، کوین (۱۳۹۵)، **سیمای شهر**، ترجمه: منوچهر مزینی، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.

محمودی، سمیرا؛ رکن‌الدین افتخاری، عبدالرضا؛ غفاری، غلامرضا. (۱۳۹۵). **بومی‌سازی شاخص‌های سرمایه اجتماعی در مناطق روستایی ایران**، فصلنامه پژوهش‌های روستایی، ۷(۴): ۶۴۳-۶۱۸.

محمودی، سمیرا؛ یاسوری، مجید؛ امامی، سیده فاطمه (۱۳۹۷)، **تحلیل مکانی- فضایی عوامل مؤثر بر حس تعلق مکانی (نمونه موردی: روستاهای کردنشین، بخش رحمت‌آباد و بلوکات، شهرستان رودبار)**، فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی روستایی، ۷(۳): ۸۲-۶۱.

ملکی، محمدرضا؛ پارسا، سپیده؛ وثیق، بهزاد؛ مرادی، ابراهیم. (۱۳۹۳). **بررسی حس تعلق به مکان با توجه به تفاوت‌های جنسیتی (مطالعه موردی: شهر ایلام)**، فصلنامه مسکن و محیط روستا، (۱۴۸): ۱۰۸-۹۹.

میرغلامی، مرتضی؛ آیشم، معصومه (۱۳۹۵)، **مدل مفهومی ارزیابی حس مکان بر اساس مؤلفه‌های کالبدی، ادراکی، عملکردی و اجتماعی (مطالعه موردی: خیابان ارومیه)**، فصلنامه مطالعات شهری، (۱۹): ۸۰-۶۹.

نقدی، اسدالله، وحدت، سلمان، سجادزاده، حسن (۱۳۹۵)، **نقش سرمایه‌های اجتماعی در دلبستگی به مکان در محلات سنتی (نمونه موردی: محلات شهر همدان)**، مطالعات جامعه‌شناختی شهری، ۶(۱۸): ۵۲-۲۳.

Austin, D. M., Furr, L. A., & Spine, M. (2002). **The effects of neighborhood conditions on perceptions of safety**. Journal of Criminal Justice, 30(5), 417–427.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-28]

[DOR: 20.1001.1.22287736.1300.0.0.49.2]

[DOI: 10.61186/jgs.23.71.81]

Bonaiuto, M. Fornara, F. & Bonnes, M. (2002), **Indexes of perceived residential environment quality and neighborhood attachment in urban environments: a confirmation study on the city of Rome,** Landscape and Urban Planning, 988, 1-12.

Bott, S.E., Banning, J.,Wells, M., Haas, G & Lakey, J. (2006), **A sense of place: A framework and its application,** College Services, Vol. 6, No. 5, pp 42-47.

Bronfenbrenner, U. (1986). **Ecology of the family as a context for human development.** Development and Psychopathology, 22, 723–742.

Brown, B. B., & Perkins, D. D. (1992). **Disruptions in place attachment. In I. Altman & S. Low (Eds.)**, Place attachment, (Vol. 12, pp. 279–304). New York: Plenum.

Brown, B. B., Perkins, D. D., & Brown, G. (2004). **Incivilities, place attachment and crime: Block and individual effects**. Journal of Environmental Psychology, 24(3), 359–371.

Chigbu, U. E. (2013). **Fostering rural sense of place: the missing piece in Uturu,Nigeria**. Development in Practice, Vol. 23, No. 2, PP. 264-277.

Cuba, L., & Hummon, D. M. (1993). **A place to call home: Identification with dwelling, community, and region.** Sociological Quarterly, 34(1), 111–131.

Dallago, L., Perkins, D. D., Santinello, M., Boyce, W., Molcho, M., & Morgan, A. (2009). **Adolescent Place Attachment, Social Capital, and Perceived Safety: A Comparison of 13 Countries**. Am J Community Psychol, 44: 148 –160.

Giuliani, M. V. (2003). **Theory of attachment and place attachment. In M. Bonnes, T. Lee, & M. Bonaiuto (Eds.),** Psychological theories for environmental issues (pp. 137–170). Aldershot: Ashgate.

Greider, T., & Garkovich, L. (1994). **Landscapes: The social construction of nature and the environmen**t. Rural Sociology, 59, 1–24.

Huang J., Brink M.V.D., Groot W. (2009), **A Meta-Analysis of the Effect of Education on Social Capital**, Economics of education review, No. 28, PP. 464-454.

Jessor, R. M. (1993). **Successful adolescent development among youth in high-risk settings.** American Psychologist, 48, 117–126.

LaGrange, R. L., Ferraro, K. F., & Supancic, M. (1992). **Perceived risk and fear of crime: Role of social and physical incivilities**. Journal of Research in Crime and Delinquency, 29, 311–334.

Lewicka, M. (2005). **Ways to make people active: The role of place attachment, cultural capital, and neighborhood ties**. Journal of Environmental Psychology, 25, 381–395.

Long, D. A., & Perkins, D. D. (2007). **Community social and place predictors of sense of community: A multilevel and longitudinal analysis**. Journal of Community Psychology, 35(5), 563–581.

Manzo, L. C., & Perkins, D. D. (2006). **Finding common ground: The importance of place attachment to community participation and planning**. Journal of Planning Literature, 20(4), 335–350.

Norberg Schulz, C. (1975). **Meaning in western architecture, Praeger publishers, New York**. https://www.abebooks.com/Meaning-Western-Architecture-Norberg-Schulz-Christian-Praeger/22769387838/bd.

Payton, M. A. (2003), **Influence of Place Attachment and Social Capital on Civic Action: A Study at Sherburne National Wildlife Refuge,** master's thesis of Natural Resources Science and Management Program, University of Minnesota.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-28]
[DOR: 20.1001.1.22287736.1300.0.0.49.2]
[DOI: 10.61186/jgs.23.71.81]

Perkins, D. D., & Long, D. A. (2002**). Neighborhood sense of community and social capital: A multi-level analysis. In A. T. Fisher, C. C. Sonn, & B. J. Bishop (Eds.),** Psychological sense of community: Research, applications, and implications (pp. 291– 318). New York: Kluwer/Plenum.

Pol, E. (2002). **The theoretical background of the city-identity sustainability network.** Environment and Behavior, 34, 8–25.

Punter, J. (1991), **Participation in the design of urban space, Landscape Design**, No 200, 24-27.

Putnam, R. (2000). **Bowling alone: The collapse and revival of American community**. New York: Simon & Schuster.

Raudenbush, S. W. (2003). **The quantitative assessment of neighborhood social environments**. In I. Kawachi & L. F. Berkman (Eds.), Neighborhoods and health (pp. 112–131). New York, NY: Oxford University Press.

Relph, E. (1976). **Place and Placelessness**. London: Pion Limited.

Salvesen, D. (2002), **The Making of Place, Research on Place & Space Website**, 20 Feb. 2003; 12 Mar 2003, <http://www.matr.net/print-4108.html>.

Sanders, S., Bowie, S. L., & Bowie, Y. D. (2003). **Lessons learned on forced relocation of older adults: the impact of hurricane Andrew on health, mental health, and social support of public housing residents**. Journal of Gerontological Social Work, 40, 23–35.

Scannell, L., & Gifford, R. (2010). **Defining place attachment: A tripartite organizing framework**. Journal of Environmental Psychology, 30, 1–10.

Seamon, D. (1982), **The phenomenological contribution to environmental psycology**, Journal of environmental psychology, No. 2, PP. 119-140.

Seamon, D. (1996), **A singular impact. Environmental & architectural phenomenology newsletter,** Vol. 7, No. 3.

Sennett, R. (2000). **New capitalism, new isolation: A flexible city of strangers**. Le Monde Diplomatique. (English Edition).

Shamai, S. (1991), **Sense of place: an empirical measurement, Israel, geoforum**, Vol.22, pp: 347-358.

Skogan, W. G. (1990). **Disorder and decline**. New York: Free Press.

Soini, K. Vaarala, H., and Pouta, E. (2012). **Residents' sense of place and landscape perceptions at the rural–urban interface.** Landscape and Urban Planning; 104, 124– 134.

Steele, F. (1981), **The Sense of Place, Boston: CBI Publishing Company**.

Stefanovic, I. L. (1998), **Phenomenological Encounters with Place: Cavtat to Square One,** Journal of Environmental Psychology, 18, 31-44.

Uzzell, D., Pol, E., & Badenas, D. (2002). **Place identification, social cohesion, and environmental sustainability**. Environment and Behavior, 34, 26–53.

Vorkinn, M., & Riese, H. (2001). **Environmental concern in a local context**. The significance of place attachment. Environment and Behavior, 33, 249–263.

Xu, Y. (1995), **"Sense of Place and Identity",** Research on Place & Space Website; 20 Feb. 2003; 12 Mar. 2003; <http://www.eslarp.uiuc.edu/la/LA437-F95/repots/yards/main.html>.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-28]
[DOR: 20.1001.1.22287736.1300.0.0.49.2]
[DOI: 10.61186/jgs.23.71.81]